



MfJ

Medical Fiqh Journal



2024; 16(46): e4

Maximum Pregnancy Time From the Perspective of Imamiyyah Jurists

Mohammad Ja'far Sadeqpoor^{1*}, Aazam keshtkar²

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Arts and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2. Level 3 student at Al-Zahra University, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Determining the maximum pregnancy time has various effects and consequences in different branches of jurisprudence, including the attachment of a newborn after the wife's divorce. If the newborn is born before the maximum gestation period, it will be justified to join the couple, otherwise it will not be possible. A study of the Imamiyyah jurists' opinions shows that there are three theories regarding the maximum pregnancy time: the theory of nine months, ten months, and one year. Each of them has its own documentation and reasons. The legislator has accepted the theory of ten months in Articles (1158) and (1159) of the Civil Code. This study aims to examine the Imamiyyah jurists' views regarding the maximum pregnancy time.

Materials and Methods: The present study was conducted using a descriptive-analytical method and using original jurisprudential and medical sources, as well as library and documentary sources.

Conclusion: Analysis of jurisprudential principles and examination of medical data show that although the maximum duration of pregnancy is nine months in most cases, since this period can last up to a year and it has also occurred, it is necessary to consider one year as the maximum duration of pregnancy and the aforementioned legal articles to be amended on this basis.

Keywords: Pregnancy, Maximum duration, Nine months, One year

Corresponding Author: Mohammad Ja'far Sadeqpoor; **Email:** Mohammad.sadeqpour@sku.ac.ir

Received: December 22, 2024; **Accepted:** February 4, 2025; **Published Online:** February 24, 2025

Please cite this article as:

Sadeqpoor M J., keshtkar A. Maximum Pregnancy Time From the Perspective of Imamiyyah Jurists. *Med Fiqh Journal*. 2024; 16(46): e4.



مجله فقه پزشکی

دوره شانزدهم، شماره چهل و شش، ۱۴۰۳



حداکثر مدت بارداری از دیدگاه فقهای امامیه

محمدجعفر صادق پور^{۱*}، اعظم کشتکار^۲

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲. طلبه سطح سه جامعه الزهرا سلام الله علیها، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعیین بیشترین مدت بارداری، آثار و ثمرات مختلفی در ابواب گوناگون دانش فقه دارد. تعیین بیشترین مدت زمان بارداری، آثار و نتایج مختلفی در ابواب گوناگون متون فقهی دارد که از جمله آن الحاق نوزاد متولدشده پس از طلاق زوجه است. اگر نوزاد پیش از بیشترین مدت حمل متولد شود، الحاق وی به زوج موجه خواهد بود وگرنه امکان الحاق به زوج وجود نخواهد شد. تتبع در آرای فقهای امامیه نشان می‌دهد پیرامون حداکثر مدت بارداری، سه نظریه وجود داد: نظریه نه ماهگی، ده ماهگی و یک سالگی. هر یک از این سه، مستندات و دلایل خاص خود را دارد. مقنن نیز در مواد (۱۱۵۸) و (۱۱۵۹) قانون مدنی نظریه ده ماهگی را پذیرفته است.

مواد و روش‌ها: پژوهش پیش رو ضمن استفاده از منابع اصیل فقهی و پزشکی براساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار فیش‌برداری انجام پذیرفته است که به بررسی دیدگاه فقهای امامیه در خصوص حداکثر مدت زمان بارداری می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: تحلیل مبانی فقهی و نیز بررسی داده‌های پزشکی نشان می‌دهد که بیشترین مدت بارداری گرچه در اغلب موارد نه ماه است؛ اما از آنجایی که این مدت تا یک سال هم امکان استمرار دارد و وقوع خارجی هم داشته؛ لذا لازم است سپری شدن یک سال به مثابه بیشترین مدت بارداری تلقی شود و مواد قانونی فوق‌الذکر نیز بر همین مبنا اصلاح شود.

واژگان کلیدی: بارداری، حداکثر مدت، نه ماه، یکسال

نویسنده مسئول: محمدجعفر صادق پور؛ پست الکترونیک: Mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sadeqpoor M J., keshtkar A. Maximum Pregnancy Time From the Perspective of Imamiyyah Jurists. Med Fiqh Journal. 2024; 16(46): e4.

مقدمه

شده است؛ اما این مقاله گزارشی از حداقل و حداکثر مدت بارداری است که البته احصا کاملی از نظریات در آن صورت نگرفته است؛ گذشته از اینکه به شکل مبسوط و استدلالی به این موضوع پرداخته است. علاوه بر این مقاله، در بسیاری از کتب فقهی ذیل احکام فقهی که به نوعی مربوط به حداکثر مدت بارداری است، به موضوع این نوشتار پرداخته شده است که در این پژوهش از این سرمایه‌های علمی بهره برده خواهد شد. از این رو، در نوشتار حاضر ضمن بهره‌گیری از تلاش پیشینیان، کوشش می‌شود به شکلی مبسوط همراه با ارزیابی دیدگاه‌ها به شکل ویژه به مسأله حداکثر مدت حمل پرداخته شود. طبیعتاً برای نیل به این مقصود استمداد از داده‌های علم پزشکی نیز بسیار راهگشا خواهد بود. این پژوهش با تحلیل محتوایی ادله شرعی مباحث را ذیل دو محور کلی آرای فقهای امامیه و ارزیابی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه پژوهش پیش رو در حوزه علوم انسانی و در حیطه مسائل فقهی و حقوقی نگارش یافته، بر این اساس از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار فیش‌برداری جهت انجام آن استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش اثبات شده است که گرچه میان فقیهان امامیه به جهت اختلاف برداشت از نصوص، سه دیدگاه پیرامون حداکثر مدت بارداری وجود دارد و مقنن نظریه ده ماهگی را پذیرفته است؛ اما به نظر می‌رسد مبتنی بر نصوص شرعی، نظریه یک سالگی از استواری بیشتری برخوردار است. البته انکار نمی‌شود که اغلب بارداری‌ها نه ماه به طول می‌انجامند؛ اما آنچه در مباحث فقهی مد نظر است تا به‌عنوان مثال، مسأله الحاق ولد به زوج تعیین تکلیف شود، حداکثر مدت ممکن برای بارداری است. مطابق یافته‌های پزشکی، این بیشینه، پس از نه ماه به سهولت امتداد می‌یابد ولی تا یک سال، رخدادی استثنایی است که البته ناممکن نیست.

حداکثر مدت حمل در ابواب مختلفی از کتب فقهی منشأ اثر است از جمله الحاق فرزند به پدر، لعان، طلاق، عده طلاق، طلاق بیش از یک بار، عده وفات، روزه زن باردار، نفقه زن باردار مطلقه تا هنگام زایمان، وصیت برای جنین وارث، اجرای حد و قصاص بر زن باردار (۱). به‌عنوان نمونه، تنها زمانی می‌توان فرزند متولدشده از زوج مطلقه را به زوج ملحق دانست که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت، بیش از حداکثر مدت بارداری نگذشته باشد. پس از بررسی منابع فقهی امامیه می‌توان به اختلاف نظر بین ایشان در زمینه بیشترین زمان بارداری پی برد. نه ماه، ده ماه و یک سال سه نظریه مختلفی است که در این زمینه از سوی فقها طرح شده است. در میان فقهای اهل سنت نیز در این خصوص اختلاف فتوا وجود دارد؛ به شکلی که علاوه بر نه ماه و یک سال، اقوال شاذی همانند هشت سال نیز مطرح شده است (۲). در این میان، قانون مدنی ایران بیشترین زمان بارداری را در ماده (۱۱۵۸)، ده ماه تعیین کرده است: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.»

همچنین در ماده (۱۱۵۹) نیز همین میزان به‌عنوان حداکثر مدت حمل پذیرفته شده است: «هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از دو ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از شش ماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.»

با توجه به آثار فقهی‌ای که بر میزان و مدت بارداری مترتب است، در کتب فقهی اشاره‌های زیادی به این مسأله شده و در برخی موارد به صورت استدلالی مباحث ارزشمندی در این رابطه ارائه شده است؛ اما خلاء یک پژوهش مستقل در این زمینه احساس می‌شود. هرچند در مجله کاوشی نو در فقه، مقاله‌ای تحت عنوان «مدت بارداری از نگاه مذهب‌های فقهی» توسط حسین غیب غلامی هرساوی، در سال ۱۳۸۰ نگاشته

۱. آرای فقهای پیرامون حداکثر مدت بارداری

چنان‌که اشاره شد، در خصوص حداکثر مدت بارداری سه دیدگاه مختلف از سوی فقهای امامیه مطرح شده که به قرار زیر قابل ارائه هستند:

۱-۱. **نظریه نه ماهگی:** چنان‌که از ابن‌جنید اسکافی حکایت شده نظریه اشهر بلکه مشهور فقهای امامیه این بوده است که بیشترین مدت بارداری نه ماه می‌باشد (۳). شیخ مفید نیز در این رابطه تصریح کرده که مدت بارداری بیشتر از نه ماه نمی‌باشد. البته وی تأکید کرده که مدت بارداری بر بیشتر مردم مشتبه می‌شود؛ زیرا برخی از زنان مدتی قبل از حاملگی به خاطر عارضه‌ای حیض نمی‌بینند و از همین رو می‌پندارند که آن مدت از ایام بارداری است در حالی که این‌گونه نیست و مدت حمل بیش از نه ماه نمی‌باشد (۲). شیخ طوسی در خلاف و مبسوط نیز اکثر مدت بارداری را نزد فقهای امامیه، نه ماه دانسته و آن را امری اجماعی خوانده است (۴). وی در نهایت نیز قول نه ماه را اختیار کرده است (۵). علاوه بر این فقها، بسیاری دیگر از بزرگان و مشاهیر امامیه نیز همین دیدگاه را برگزیده و بر آن تصریح کرده‌اند (۶). شایان ذکر است که از نحوه تبویب کافی و وسائل نیز چنین برمی‌آید که گردآورندگان این دو مجموعه روایی نیز معتقد به همین نظریه بوده‌اند؛ زیرا فقط روایت‌های مستند نه ماه را گزارش کرده‌اند (۷).

گذشته از اجماع که به‌عنوان مستند این نظریه توسط فقیهانی چون شیخ طوسی ذکر شده (۴)، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مستند این دیدگاه روایات مختلفی است که مستفاد از آن‌ها نه ماه بودن حداکثر بارداری است. این روایات را می‌توان به قرار زیر از نظر گذراند:

یکم) روایت ابی‌حمزه که می‌گوید از اباجعفر (ع) درباره آفرینش پرسیدم، امام (ع) فرمود: زمانی که نطفه فرود آمد. سپس در بطن قرار داده می‌شود پس نه روز در هر عرق و مفصلی توقف می‌کند، که از جمله آن‌ها سه قفل و موضع برای رحم هست؛ قفلی در بالای آن از ناف گرفته تا سمت راست و قفل دیگر وسط آن و قفل دیگر پایین رحم است. سپس بعد از

نه روز در قفل بالایی قرار می‌گیرد پس در آن سه ماه توقف می‌کند، که در آن هنگام زن بدحال است و حالت تهوع دارد سپس به قفل وسط می‌رود پس در آن سه ماه توقف می‌کند و سپس به قفل آخر رفته پس در آن سه ماه توقف می‌کند، که در این هنگام نه ماه گذشته است، سپس زن از حمل رها می‌شود (۷).

از این روایت که به لحاظ سندی صحیح است (۸) استفاده می‌شود که حمل از اول تا نه روز در یکجا است، بعد از آن سه ماه در جایی قرار می‌گیرد، و بعد از سه ماه دوباره در قفل دیگر قرار می‌گیرد، و بعد دوباره در یک قفل دیگر قرار می‌گیرد که در نتیجه مدت حمل، نه ماه و نه روز می‌شود.

دوم) روایت وهب از ابی‌عبدالله (ع) از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: «یعیش الولد لسته أشهر و لبعة أشهر و لتسعة أشهر و لا یعیش لثمانية أشهر»، «جنین شش ماه و هفت ماه و نه ماه عیش می‌کند اما هشت ماه زنده نمی‌ماند» (۷).

این روایت بیانگر مواردی است که قابلیت وضع حمل سالم وجود داشته باشد؛ لذا با این بیان حداکثر و حداقل حمل که موضوع عیش جنین است، تعیین شده است. کمترین مدت را شش ماه ذکر کرده و بیشترین مدت را نه ماهگی عنوان نموده است (۸).

سوم) روایت عبدالرحمن بن سیابة، از کسانی و آن‌ها از امام باقر (ع) که گفته است: «سألته عن غاية الحمل بالولد فی بطن امه کم هو؟ فإنّ الناس یقولون: ربما بقی فی بطنها سنتین (سنین)، فقال: کذبوا، أقصى مدّة الحمل تسعة أشهر، و لا یزید لحظة، و لو زاد ساعة (لحظة) لقتل امه قبل أن یخرج» (۹)، «از امام (ع) درباره نهایت زمانی که حمل در شکم مادرش می‌ماند پرسیدم که چه مقدار است؟ و در این زمینه گفتم مردم می‌گویند دو سال می‌ماند (نسخه بدل یک سال)، فرمود: دروغ می‌گویند أقصى مدت حمل نه ماه است و لحظه‌ای بیشتر نمی‌ماند، اگر ساعتی (نسخه بدل لحظة) بیشتر بماند قبل از به دنیا آمدن مادرش را می‌کشد».

دلالت این روایت بر مقصود روشن است؛ زیرا به صراحت بیان شده که بیشترین مدت حمل نه ماه است و حتی بارداری بیش از این مدت موجب قتل مادر دانسته شده است.

چهارم) روایت ابان از مردی از ابی عبدالله (ع) که فرمودند: «ان مریم علیهما السلام حملت بعیسی (ع) تسع ساعات و کل ساعة شهرأ» (۱۰) «همانا مریم علیها السلام حمل نمود عیسی (ع) را نه ساعت، هر ساعت به جای یک ماه». ظاهراً نحوه استدلال به این روایت چنین است که چون در این خبر، برای حضرت مریم (ع) نه ماه بارداری بیان شده است، این میزان می‌تواند به‌عنوان بیشترین مدت بارداری در عموم اشخاص تلقی شود.

پنجم) روایت عبدالرحمن بن حجاج که گفته است، شنیدم ابا ابراهیم (ع) می‌گوید: «اذا طلق الرجل امرأته فادعت حملاً انتظر بها تسعة أشهر فان ولدت و الا اعتدت ثلاثة أشهر ثم قد بانث منه» (۹) «زمانی که مرد همسرش را طلاق دهد سپس زن مدعی حاملگی شد نه ماه انتظار کشیده می‌شود، اگر نوزاد به دنیا آمد، چه بهتر وگرنه سه ماه عده نگه دارد سپس از وی جدا می‌شود».

براساس این روایت زمانی زن ادعا نماید که حامله است نه ماه انتظار کشیده می‌شود، که این اقصی مدت حمل است؛ زیرا اگر غیر از این بود امام آن را بیان می‌کرد. به بیان دیگر، روایت دلالت می‌کند بر اینکه زن در فرض روایت، نه ماه انتظار می‌کشد، اگر جنین به دنیا بیاید، چه بهتر، ولی اگر جنین به دنیا نیاید، پس عده او سه ماه خواهد بود. با توجه به اینکه عده یا با وضع حمل است یا با شهور (سه ماه)، گویی نه ماه اقصی الحمل قلمداد شده که اگر وضع حمل نکرد با شهور باید عده نگه دارد. بنابراین ظهور روایت در نه ماه بودن اقصی مدت حمل غیر قابل انکار است (۱۱). نکته قابل توجه این است که گرچه با گذشت نه ماه که اکثر حاملگی است، برائت و پاکی رحم حاصل می‌شود؛ لکن این امر نافی وجوب عده نگه داشتن نیست و زن باید پس از این مدت، عده نگه دارد (۱۲).

ششم) در ضمن روایت نسبتاً طولانی محمد بن حکیم از امام کاظم (ع) و نیز روایت ابی حمزه از امام باقر (ع) (۷)، در مقام نفی طولانی شدن حاملگی بیش از نه ماه، تصریح شده است

که «انما الحمل تسعة أشهر: حاملگی تنها نه ماه است». با توجه به اینکه جمله «الحمل تسعة أشهر» بعد از «انما» ذکر شده، به وضوح می‌توان دریافت در این روایات حداکثر مدت حمل، نه ماه بیان شده است.

۱-۲. نظریه ده ماهگی: در مقابل دیدگاه فوق، برخی از فقهای امامیه بر این باورند که حداکثر مدت بارداری ده ماه است. بسیاری از بزرگان فقه امامیه همچون محقق حلی و علامه حلی در نوشته‌های خود به این نظریه پایبند شده‌اند (۱۳) و برخی علما آن را به مثابه نظریه مقبول فقیهان امامیه ذکر کرده‌اند (۱۴). چنان‌که پیش‌تر هم اشاره شد، قانون‌گذار در مواد (۱۱۵۸) و (۱۱۵۹) قانون مدنی همین دیدگاه را پذیرفته و حداکثر مدت بارداری را ده ماه بیان کرده است. به هر روی، مستنداتی که می‌توان برای اثبات این دیدگاه ذکر کرد به قرار زیر قابل ارائه است:

یکم) روایات: گرچه معتقدان به این دیدگاه در راستای اثبات نظر خود، روایت به‌خصوصی نقل نکرده‌اند؛ اما در عین حال در ضمن نقل فتوای خود، از متکی بودن آن به روایت سخن گفته‌اند و مدعی شده‌اند در این رابطه روایاتی وارد شده است (۵). ظاهراً مراد این دسته از فقها، برخی روایات مورد استناد در نظریات دیگر است که ایشان با خوانش و قرائتی متفاوت، در راستای اثبات نظریه ده ماهگی به آن‌ها استناد می‌کنند.

دوم) وقوع خارجی: یکی از دلایل برخی معتقدان به نظریه ده ماهگی، کثرت وقوع آن در خارج ذکر شده است؛ چرا که بهترین دلیل بر چیزی، وقوع آن در عالم واقع است (۱۵).

سوم) قاعده الولد للفراش: دلیل دیگری که برای اثبات نظریه ده‌ماهگی ذکر شده، عمومیت قاعده الولد للفراش است (۱۶). بدین‌صورت که عموم این قاعده مقتضی الحاق ولد به فراش است هرچند که مدت حمل از نه ماه بگذرد. اینکه گفته شده «عموم» قاعده دال بر نظریه است، منظور «اطلاق» قاعده است؛ زیرا فقهای پیشین در مواردی بین عموم و اطلاق تفاوتی قائل نشده‌اند.

چهارم) اصالة العدم: برخی از فقها نیز جهت اثبات این دیدگاه به اصالة العدم تمسک جستند بدین بیان که در رابطه با زنی

سه ماه جز یک حیض ندیده، سپس حیض نمی‌بیند و علت رفع حیض را نمی‌داند، نه ماه از زمانی که طلاق داده شده صبر می‌کند سپس بعد از آن سه ماه عده می‌گیرد آنگاه اگر خواست ازدواج می‌نماید (۹).

در این روایت زنی که «ممن تحیض» است با شرایط صحیح، طلاق داده شده (طلاق السنه) و بعد از طلاق بین حیض متقدم و حیضی که بعد از طلاق قرار گرفته، سه ماه فاصله شده، یعنی در عرض سه ماه یک مرتبه حیض دیده است، در حالی که به صورت متعارف سه حیض دیده می‌شود، و زن هم نمی‌داند که چه علتی دارد که حیض نمی‌بیند. حضرت در جواب فرموده‌اند: این زن نه ماه از اول طلاق صبر می‌کند و بعد هم سه ماه دیگر عده نگه می‌دارد. بنابراین از اول طلاق دوازده ماه می‌گذرد و این بدین جهت است که گویی حداکثر مدت ممکن برای بارداری یک سال فرض شده که برای اطمینان از عدم آن، صبر تا یک سال توصیه شده است.

- در ضمن مستندات نظریه نه ماهگی به بخشی از روایت محمدبن حکیم از امام کاظم (ع) اشاره شد. با این حال در بخش‌های دیگر این روایت مطالبی آمده که می‌تواند مستند نظریه یک سالگی باشد. در این روایت آمده است: به امام گفتم مردی زن جوانش را که امثال او حیض می‌بینند طلاق می‌دهد. آن زن پس از طلاق خون نمی‌بیند. عده او چقدر است؟ فرمود: سه ماه. گفتم: بعد از سه ماه ادعا می‌کند که حامله است. فرمود: عده‌اش نه ماه است. گفتم: بعد از نه ماه هم ادعا می‌کند حامله است. فرمود: همانا مدت بارداری نه ماه است. گفتم: می‌تواند ازدواج کند؟ فرمود: سه ماه احتیاط نماید، گفتم بعد از سه ماه عده نگه دارد؟ فرمود: اگر می‌خواهد ازدواج نماید اشکال ندارد (۱۰). با توجه به اینکه در این روایت دو تعبیر «تحتاط بثلاثة أشهر» و «فانها ارتابت بعد ثلاثة أشهر»، قال لیس علیها ریة تتروج» استفاده شده، معنای احتیاط مصرح در چنین روایتی آن است که بعد از نه ماه شبهه حمل وجود دارد و سه ماه دیگر باید احتیاط کند که مجموعاً یک سال می‌شود ولی یک سال که تمام شد احتیاط هم مطرح

که مدعی است بارداری وی از همسرش بیش از نه ماه طول کشیده، اصل بر عدم زنا است و در نتیجه بیشترین مدت حمل بیش از نه ماه محسوب خواهد شد که شامل ده ماهگی می‌شود (۱۶).

۳-۱. نظریه یک سالگی: ظاهر عبارت سید مرتضی در انتصار این است که اعتقاد به نظریه یک سال علاوه بر امامیه مورد اجماع اهل سنت نیز می‌باشد و اختلافی در آن نیست (۱۷)؛ با این وجود، وی در رسائل خود، مشهور امامیه را معتقد به دیدگاه نه ماهگی دانسته و نظریه یک سالگی را گرچه دارای طرفدارانی تلقی کرده؛ اما آن را بدون مدرک معتبر خوانده است (۱۸). در عین حال، رجوع به منابع فقهی نشان می‌دهد بسیاری از فقهای امامیه نظریه یک سالگی را پذیرفته و به آن معتقد شده‌اند (۱۹).

شایان ذکر است که برخی از فقها همچون ابوالصلاح حلبی و ابن‌ادریس حلی نیز علی‌رغم اینکه حداکثر مدت حمل را به حسب متعارف و حکم ظاهری نه ماه می‌دانند (۲۰)؛ اما در مواردی معتقدند که این مدت تا یک سال نیز قابل تداوم است. به‌عنوان مثال، در موارد اتهام ارتکاب زنا و نفی ولد چون سه ماه مازاد بر نه ماه به واسطه شبهه جزء بازه زمانی مدت حمل محاسبه می‌شود، مجموع مدت حمل به یک سال می‌رسد. به هر روی، دلایلی که برای اثبات نظریه یک سالگی اقامه شده به قرار زیر است:

یکم) روایات: نخستین و درواقع اصلی‌ترین مستند نظریه یک سالگی، روایات مختلفی است که برخی از آن‌ها پیش‌تر از نظر گذشت. این روایات را می‌توان به قرار زیر ارائه نمود:

- از سوره‌بن‌کلیب منقول است که از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که همسرش را در طهر غیر موقعه با شهود، طلاق سنت داده است و همسر وی از زنانی است که در سن حیض است. این زن پس از آنکه سه ماه می‌گذرد تنها یک حیض می‌بیند، سپس خون نمی‌بیند تا اینکه سه ماه دیگر نیز می‌گذرد و نمی‌داند که چرا حیض نمی‌بیند؟ امام (ع) فرمود: اگر همسر وی جوان بوده و حیض منظم داشته؛ اما در طول

سلام‌الله‌علیها، امام حسین (ع) را بعد از یک سال حمل به دنیا آوردند، این مدت می‌تواند به‌عنوان بیشترین زمان بارداری تلقی گردد.

و) غیاث از جعفر بن محمد از پدرش از جدش از علی علیه‌السلام روایت نموده که: «أدنی ما تحمل المرأة لسنة أشهر و أكثر ما تحمل لسنة (لسنتین خ ل)» (۲۲)، کمترین زمان بارداری زن شش ماه و بیشترین آن یک سال است (نسخه بدل دو سال). در این روایت به صراحت بیشترین زمان بارداری یک سال عنوان شده که البته در نسخه بدل آن دو سال گفته شده است.

دوم) اجماع: همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، برخی فقها بر نظریه یک سالگی ادعای اجماع کرده‌اند. سید مرتضی (۱۷) شیخ مفید (۲) و ابن زهره (۲۳) از جمله عالمانی هستند که بر این مسأله ادعای اجماع نموده‌اند.

سوم) قاعده الولد للفراش: تمسک به عموم قول پیامبر (ص) که فرمودند: «الولد للفراش» دلیل دیگری است که برخی فقها جهت اثبات این نظریه آورده‌اند (۲۴). شهید ثانی در این رابطه تصریح می‌کند: «این قول به صواب نزدیک‌تر است. زمانی که دلیل معتبری بر اینکه اقصی مدت حمل یک سال باشد، وارد نشده پس حکم آن را استصحاب می‌کنیم و حکم فراش مناسب‌تر است؛ گرچه برخلاف غالب است» (۲۵). همچنین سید عاملی نیز می‌نویسد: «شکی نیست که یک سالگی گرچه نادر است؛ اما معتبر است و اولی از حکم نفی نسب از اهلس می‌باشد» (۲۶).

چهارم) وقوع خارجی: دلیل دیگری که از سوی برخی فقها راجع به اکثر حمل مطرح شده آن است که ادامه بارداری تا یک سال نیز دیده شده است. شهید ثانی در این‌باره نوشته است: «به تحقیق واقع شده در زمان ما مواردی که دلالت بر یک سالگی می‌کند و بنابراین می‌توانیم اخبار دال بر نه ماه را حمل بر غالب نماییم» (۲۵) در نهایت المرام نیز آمده است: «جدم یادآور شده که در دوره ایشان در بعضی از زنان واقع گردیده که حمل تا یک سال هم به تأخیر افتاده و حکایت

نیست. همچنین این روایت موجب فهم صحیحۀ عبدالرحمن بن حجاج که در آن تعبیر «اعتدت» آمده بود نیز می‌گردد، در واقع آن روایت نمی‌خواهد بگوید اقصی مدت حمل نه ماه است و عده یا با وضع حمل است یا با شهور و با قطع به حامله نبودن باید با شهور عده نگه دارد، بلکه این روایت با یک سال بهتر مطابقت دارد.

- در روایت دیگری از محمد بن حکیم به نقل از امام صادق یا امام کاظم علیه‌السلام گزارش شده است: «به امام گفتم: زنی همسرش را طلاق داده و پس از سه ماه زن مدعی بارداری است. فرمود: نه ماه انتظار می‌کشد. عرض کردم بعد از آن همچنان ادعا می‌کند حامله است. فرمود: بعید است، بعید است؛ همانا حیض مرتفع می‌شود یا به حاملگی که روشن است یا به خاطر بیماری حیضش به هم ریخته، لکن سه ماه بعد از آن نیز احتیاط نماید» (۹). در این روایت، با توجه به سه ماه احتیاطی که به نه ماه افزوده می‌شود، مجموعاً مدتی که امکان بارداری در آن وجود دارد، یک سال تلقی شده است. - «معاویة بن حکیم از ابی ابراهیم یا از پدرشان امام باقر (ع) نقل نموده‌اند که «انها قال فی المطلقه یطلقها زوجها فتقول أنا حبلی فتمکث سنة قال ان جائت به لأكثر من سنة لن تصدق و لو ساعة واحدة فی دعواها» (۱۰)، «زنی که شوهرش او را طلاق داده، اگر به شوهرش بگوید: من باردار هستم، باید مدت یک سال منتظر بماند. اگر فرزند او در بیشتر از یک سال هرچند به مدت یک ساعت متولد گردد آن زن در دعوی خود تصدیق نمی‌شود». وجه دلالت این روایت بر نظریه یک سالگی این است که در آن حداکثر زمانی که زن به واسطه احتمال بارداری تصدیق می‌شود، یک سال است (۸) پس این روایت یک سال را معیار قرار داده است.

- از سیده زنان عالم فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها منقول است که «انها ولدت الحسین (ع) عند تمام سنة من حملها به» (۲۱)، «ایشان امام حسین (ع) را در حالی به دنیا آوردند که یک سال تمام به او باردار بودند». استناد به این روایت به این صورت است که چون در این روایت آمده حضرت فاطمه

کرده برای ما در این زمان که حتی در بعضی از زنان شهر ما نیز اتفاق افتاده است. بنابراین ایشان وقوع آن را نادر می‌شمردند» (۲۶) صاحب جواهر نیز نوشته است: «در زمان ما می‌بینیم که وضع حمل تا یک سال هم طول می‌کشد پس به کمتر از آن اکتفا کردن توجیهی ندارد» (۲۱).

۲. ارزیابی آرای فقها

جهت بررسی و ارزیابی دقیق آرای فقها شایسته است هریک از سه دیدگاه فوق‌الذکر را به صورت مستقل و مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲-۱. **ارزیابی نظریه نه ماهگی:** با دقت در نظریه نه ماهگی و تأمل در ادله آن می‌توان نکات زیر را به مثابه نتایج اندیشه‌ورزی در این زمینه ارائه نمود:

یکم) استناد به اجماع در جهت اثبات نظریه نه ماهگی نمی‌تواند قابل دفاع باشد؛ زیرا اولاً، تحقق اجماع با توجه به نظرات مخالفی که در ادامه از فقها گزارش خواهد شد، محل تردید است. ثانیاً، این اجماع، مدرکی و یا دست‌کم محتمل‌المدرکی است و با اتکاء به روایات فوق‌الذکر اقامه شده است. بنابراین، آنچه می‌تواند در این راستا تعیین‌کننده باشد، روایات است.

دوم) استناد به روایت ابی حمزه از جهات مختلف قابل نقد است؛ زیرا اولاً، در این روایت آنچه به‌عنوان مدت حمل بیان شده، نه ماه و نه روز است و نه ماه تمام. از این جهت دلیل با مدعا تطابق ندارد. فقها این عدم تطابق را به دو صورت توجیه کرده‌اند:

- اینکه برخی نه روز ابتدایی را جزء سه ماه نخست دانسته‌اند و در نتیجه برخلاف ظاهر روایت، نتیجه گرفته‌اند که مراد روایت چیزی بیش از نه ماه نیست (۱۲). ناگفته پیداست که این توجیه خلاف ظاهر روایت است و به دشواری می‌توان آن را پذیرفت.

- برخی فقها نیز احتمال داده‌اند کسانی که نظریه نه ماهگی را برگزیده‌اند، منظورشان نفی ده ماه و یک سال است نه جمود بر نه ماه دقیق و لذا اعتقادشان مقابل نه ماه و چند روز نیست

نیست؛ بلکه سیر طبیعی خلقت جنین را بیان می‌دارد؛ لذا موضوع صرفاً «مدت حمل» است نه «حداکثر مدت حمل». **سوم)** روایت وهب نیز نمی‌تواند مستند خوبی برای نظریه نه ماهگی باشد؛ زیرا اولاً، این روایت از حیث سندی مبتلای به ضعف است و قابل اعتنا نیست (۲۷). ثانیاً، در این روایت گرچه از یک‌سو، شش ماه، هفت ماه و نه ماه به‌عنوان زمان‌هایی که جنین با تولد در آن‌ها امکان حیات دارد، معرفی شده‌اند و از سویی دیگر، هشت‌ماهگی به‌عنوان زمانی معرفی شده که در صورتی که تولد در آن رخ دهد امکان حیات جنین وجود ندارد؛ اما روشن است که اساساً در پی بیان حداکثر مدت حمل نیست. به عبارت دیگر، موضوع این روایت، زمان‌های وضع حملی است که در آن‌ها امکان حیات وجود دارد نه حداکثر مدتی که بارداری ممکن است به طول انجامد؛ لذا گرچه امکان حیات جنین در پی تولد در نه ماهگی مورد تصریح قرار گرفته، لکن اینکه جنین ممکن است در نه ماه و اندی یا بیشتر هم متولد شود و زنده بماند یا خیر، نفیاً و اثباتاً مورد اشاره قرار نگرفته است.

چهارم) روایت عبدالرحمن بن سبیه گرچه به جهت دلالتی تمام است؛ اما استناد به آن با موانعی روبه‌رو است که نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید؛ زیرا اولاً، این روایت با توجه به تعبیر «عمن حدثه» مرسله است و در نتیجه سند آن مبتلای به ضعف است (۸)؛ ثانیاً، مفاد این روایت مخالف تجربه مسلم است؛ زیرا در این روایت تأکید شده اگر از نه ماه لحظه‌ای بگذرد، مادر تلف می‌شود که براساس تجربه موارد و مصادیق مخالف آن به وفور دیده شده است. البته این تعارض توسط برخی فقها توجیه شده (۲۸) و برخی دیگر از بزرگان به درستی این توجیه را غیر قابل قبول و مخالف ظاهر روایت قلمداد کرده‌اند (۱۲). ثالثاً، فارغ از

۲-۲. **ارزیابی نظریه ده ماهگی:** با تأمل در نظریه ده ماهگی و ادله آن می‌توان نکات زیر را در این رابطه ارائه نمود:

یکم) نخستین شخصی که صریحاً مدعی وجود روایت درباره نظریه ده ماهگی شده، «ابن حمزه» از فقهای قرن پنجم قمری است و پس از وی برخی دیگر از فقها تعبیر «آن به روایه» را آورده‌اند. با این وصف، واقعیت این است که در جهت اثبات این نظریه نمی‌توان به روایات استناد جست؛ زیرا چنانچه برخی فقها آشکارا بیان کرده‌اند (۲۵) اساساً راجع به ده ماهگی هیچ روایتی نقل نشده تا بتوان بدان استناد نمود و قرائات خاصی که از برخی روایات برای توجیه این دیدگاه ممکن است ارائه شود، خلاف ظاهر نصوص می‌باشد.

دوم) گرچه وقوع خارجی می‌تواند دلیل بر مسأله به حساب آید؛ اما این مطلب در جایی کاربرد دارد که مورد نقض وجود نداشته باشد. در حالی که در موضوع مورد بحث علاوه بر وقوع حمل تا ده ماهگی، ادعای وقوع تا بیش از ده ماهگی نیز مطرح شده است.

سوم) تمسک به اطلاق قاعده الولد للفراش نیز چاره‌ساز نیست؛ زیرا اولاً قاعده فوق در صدد بیان این است که ولد ملحق به فراش است و بیانگر اقصی مدت حمل نیست. ثانیاً مفاد آن شامل نظریه یک سالگی هم خواهد شد.

چهارم) اصل عدم نیز نمی‌تواند مستند خوبی برای نظریه ده ماهگی باشد؛ زیرا اولاً با وجود دلیل، اصل جاری نخواهد شد و روایاتی دال بر اینکه اقصی مدت حمل نه ماهگی یا یک سالگی است موجود است. ثانیاً اصل در اینجا، اصل مثبت محسوب می‌شود؛ زیرا اصل عدم زنا ثابت نمی‌کند که ده ماهگی اقصی مدت حمل باشد.

پنجم) به نظر می‌رسد اینکه تولد را در ده ماهگی عنوان می‌کنند به خاطر اشتباهی باشد که گاهی در مبدأ حمل به وجود می‌آید مثلاً شخص به خاطر قطع حیض تصور حاملگی می‌کند، با اینکه در واقع ممکن است انقطاع به خاطر موانع دیگری باشد؛ یا اینکه حاملگی در اواخر طهر واقع می‌شود ولی تصور می‌کند که در اوایل آن اتفاق افتاده است؛ چنان که برخی

تعارض مذکور، مفاد روایت فوق، با روایت نخست هم معارض است؛ چه اینکه در روایت نخست، امکان ادامه حمل تا بیش از نه ماه به مدت نه روز مطرح شده بود و در این روایت، با تعبیر «لحظة» این امکان نفی شده است.

پنجم) روایت اَبان که در خصوص مدت بارداری حضرت مریم علیهاالسلام است نیز قابلیت اسناد ندارد؛ زیرا اولاً این روایت مرسله است و همچنین در سند آن عبیدالله بن عبدالله دهقان واقع شده که ضعیف است (۲۷). ثانیاً با روایتهای دیگر معارض است؛ زیرا روایات متعددی وجود دارد که حضرت عیسی (ع) در شش ماهگی به دنیا آمده است (۱۰). ثالثاً فارغ از این اشکالات، اساساً اینکه حضرت مریم نه ماه حمل داشته، دلیل نمی‌شود که حداکثر مدت حمل نه ماه باشد و با اینکه مربوط به مدت بارداری است؛ اما ارتباطی با بیشترین مدت ممکن بارداری ندارد.

ششم) روایت عبدالرحمن بن حجاج و روایت محمد بن حکیم نیز گرچه به لحاظ سندی صحیح هستند (۸)؛ اما به نظر می‌رسد نمی‌توان به سهولت آن‌ها را حجت شرعی بر نظریه نه ماهگی دانست؛ زیرا در روایت عبدالرحمن گذشته از اینکه سخن از حداکثر مدت حمل به میان نیامده، چنان که در روایات ناظر بر یک سالگی آمده، تصریح شده که علاوه بر نه ماه، زن باید سه ماه عده نگه دارد که مجموعاً یک سال می‌شود. بنابراین این روایت بیشتر بر نظریه یک سالگی تطبیق دارد؛ اما در روایت محمد بن حکیم گرچه با ادات حصر، نه ماه به مثابه حداکثر مدت بارداری بیان شده است؛ ولی با توجه به بخش‌های دیگر روایت که سه ماه بر این مدت افزوده شده است می‌توان دریافت که نه ماه در این روایت به عنوان مدت معمول و متعارف بارداری بیان شده؛ اما در عین حال چون ندرتاً خلاف آن ممکن است، سه ماه دیگر بر این میزان افزوده می‌شود تا از بارداری یا عدم آن اطمینان حاصل شود. علاوه بر این، روایاتی که در راستای اثبات نظریه یک سالگی وارد شده و نیز تحقق خارجی آن دو امر غیرقابل اغماض هستند که نمی‌توان از کنار آن‌ها به راحتی گذشت و جمع میان روایات را ضرورت می‌بخشند.

متولد می‌شوند (۳۱). بنابراین بارداری بیش از نه ماهگی به جهت علمی هیچ استبعادی ندارد، چنان‌که تجربه هم این را نشان داده است. جالب این است که در اخبار منتشره در رسانه‌ها، مواردی گزارش شده که مدت بارداری شخصی بیش از یک سال به طول انجامیده است (۳۲). البته موارد اینچنینی، استثناء محسوب می‌شوند و به ندرت رخ می‌دهند با این حال، مهم این است که ناممکن نیستند و دانش پزشکی منکر رخداد چنین استثنائاتی نیست.

چهارم) از میان دلایلی که برای اثبات نظریه یک سالگی مطرح شد، به جهت صناعت فقهی، مهم‌ترین دلیل روایاتی است که در این خصوص وارد شده است. به نظر می‌رسد این روایات را باید بر چند دسته زیر دانست:

دسته اول: برخی از روایات مورد استناد در نظریه یک سالگی، سه ماه مازاد بر نه ماه را به جهت احتیاط و برای اطمینان از بارداری نبودن، ذکر کرده‌اند. روایت سوره‌بن‌کلیب، محمدبن‌حکیم و صحیح‌ه عبدالرحمن از این دست روایات هستند. واقعیت این است که این روایت فی‌نفسه نمی‌تواند مثبت این باشد که بیشترین مدت بارداری یک سال است؛ به‌خصوص اینکه در برخی از آن‌ها، صراحتاً اقصی مدت حمل، نه ماه بیان شده (محمدبن‌حکیم از امام کاظم (ع)) و یا استمرار بیش از آن بعید دانسته شده است (محمدبن‌حکیم از امام صادق (ع)). چنان‌که گفته شد، به نظر ما این روایات مدت معمول و متداول حمل را که نه ماه است بیان می‌کنند و بیش از این مدت را از این جهت بعید دانسته‌اند که اگر در ضمن دعوی بر خلاف رویه معمول ادعا شود، باید رویه معمول را از نظر دور نداشت. در عین حال، با توجه به تحقق خارجی و به‌خصوص روایات دیگر و همچنین سه ماهی که از سر احتیاط افزوده شده، نمی‌توان این روایات را مانع پایبندی به نظریه یک سالگی دانست.

دسته دوم: برخی دیگر از روایات مورد استناد در نظریه یک سالگی به صورت صریح بیشترین مدت حمل را یک سال بیان کرده‌اند. روایت معاویه‌بن‌حکیم و غیاث از این دست روایات

فقه‌ها نیز به این مطلب اذعان کرده‌اند (۲۹) و از آنجا که روایتی دال بر اینکه ده ماه اقصی مدت حمل باشد موجود نیست آن را به استحسان شبیه‌تر دانسته‌اند.

۲-۳. ارزیابی نظریه یک‌سالگی: تأمل در نظریه یک سالگی و مستندات آن نشان می‌دهد از میان سه نظریه‌ای که تاکنون بیان شد، این نظریه از قوت بیشتری برخوردار است. جهت اثبات این مهم، توجه به نکات زیر ضروری است:

یکم) ادعای اجماع جهت اثبات نظریه یک سالگی نمی‌تواند اثباتگر این دیدگاه باشد؛ زیرا از یک‌سو با توجه به اختلافی که در این مسأله وجود دارد، تحقق اجماع قابل انکار یا حداقل تشکیک است و از سوی دیگر، بر فرض مدعی بودن تحقق چنین اجماعی، مدرکی بودن یا دست‌کم محتمل‌المدرکی بودن آن مانع استناد جستن به چنین دلیلی خواهد بود.

دوم) چنان‌که گذشت قاعده‌الولد للفرأش بیانگر آن است که ولد ملحق به فرأش است و این حکم تعبدی، لزوماً به معنای این نیست که بیشترین مدت حمل یک سالگی است. البته از آن‌رو که حکم الحاق ولد تا یک سال استمرار می‌یابد، می‌توان امکان استمرار بارداری را تا این مدت مطرح کرد و با توجه به عدم قول به بیش از یک سال، معتقد به این شد که بیشترین مدت محتمل برای بارداری یک سال است.

سوم) وقوع خارجی بارداری تا یک سال، هرچند به ندرت اتفاق افتد، مسأله‌ای نیست که بتوان به سهولت از کنار آن گذشت؛ بلکه بر فرض اثبات، لازم است که در مقام ارائه نظر درخصوص اکثر مدت بارداری، به آن توجه نمود و غفلت از آن سزاوار نیست. در همین راستا باید عنایت داشت که وفق یافته‌های پزشکی به‌طورکلی دوره بارداری ۲۸۰ روز (۴۰ هفته) پس از شروع آخرین دوره قاعدگی طبیعی (LNMP) یا به‌طور دقیق‌تر ۲۶۶ روز (۳۸ هفته) پس از انجام لقاح در نظر گرفته می‌شود (۳۰). با این حال، این بازه زمانی، مطابق رویه معمول و عرف متداول در بارداری‌هاست؛ لکن دانش پزشکی بارداری بیش از این مدت را نیز تأیید می‌کند؛ چنان‌که ثابت شده بیش از ۵٪ از نوزادان پس از نه ماهگی

حملی که موضوع احکام فقهی و حقوقی است تعیین نماید و از این جهت برای تنظیم احکام و مقررات خود، به آن تشخص فقهی و حقوقی ببخشد. چنان که فقها گاه در چپستی و شاخصه‌های برخی بیماری‌ها به این علت که موجب دیده هستند، مباحثی مطرح می‌کنند که با دانش پزشکی یکسان نیست و صرفاً از نقطه نظر مورد نیاز دانش فقه به آن‌ها نگریسته شده است (۳۴). البته بدیهی است که درخصوص موضوع این پژوهش، حداکثر مدت تعیینی در فقه نباید و نمی‌تواند بازه‌ای باشد که در دانش پزشکی ناممکن قلمداد می‌شود. بنابراین تعیین چنین مدتی از سوی فقها نباید به معنای خروج از قلمرو دانش فقه قلمداد شود.

نتایج

۱. درخصوص حداکثر مدت بارداری میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. نه ماه، ده ماه و یک سال سه بازه زمانی است که فقهای امامیه برای حداکثر مدت بارداری ذکر کرده‌اند.
۲. اختیار هریک از این نظریات، آثار فقهی متفاوتی در پی خواهد داشت. به‌عنوان مثال، از جمله شروط الحاق ولد به زوج آن است که تولد ولد در زمانی رخ دهد که اکثر مدت حمل نگذشته باشد. حال اگر نظریه نه ماه پذیرفته شود، اگر نوزادی در دهمین ماه پس از طلاق متولد شد، ملحق به پدر نخواهد بود. همین مسأله درخصوص دو بازه زمانی دیگر هم صادق است.
۳. با بررسی اقوال و مستندات آرای فقهی مذکور می‌توان دریافت نظریه یک سالگی از دو نظریه دیگر استوارتر است؛ زیرا گذشته از امکان وقوع خارجی آن و حتی وقوع آن به صورت نادر، روایاتی در این رابطه وجود دارد که اثباتگر این مهم هستند و در مقایسه با مستندات نظریات دیگر از استحکام بیشتری برخوردار هستند.
۴. براساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود مواد (۱۱۵۸) و (۱۱۵۹) قانون مدنی که بیشترین مدت بارداری را ده ماه بیان کرده‌اند، اصلاح شده و این مدت متناسب با نظریه صحیح فقهی به یک سال ارتقاء یابد.

هستند. چالشی که فراروی این دسته است اختلاف نسخ در روایت غیاث است؛ زیرا این روایت در وسائل الشیعه با تعبیر «لستین: دو سال» گزارش شده (۳۳) که همین موجب شده برخی فقها آن را حمل بر تقیه کنند. با این اوصاف، به نظر می‌رسد تعبیر «لسته» درست باشد و نقل وسائل قابل قبول نباشد. افزون بر این، اساساً حمل روایت بر تقیه در جایی که امام صادق از امام علی علیهماالسلام روایت می‌کند، درست نیست؛ زیرا بی‌معناست که امام صادق (ع) آنگاه که در مقام تقیه هستند مطلب خلاف واقع و تقیه‌ای را به امیرالمؤمنین (ع) نسبت بدهند در حالی که می‌توانند تقیماً از زبان و از جانب خود آن را بیان نمایند (۸). بر این اساس، روایت معاویه بن حکیم که به جهت سندی قابل اتکا است (۲۸) و روایت غیاث صراحتاً بیانگر اقصی مدت حمل به مدت یک سال هستند و با تکیه بر این روایات و حمل روایت نه ماهگی بر مدت معمول و غالب، نظریه ده ماهگی متعین می‌شود.

دسته سوم: علاوه بر روایات مذکور، روایت خاص درخصوص زمان تولد حضرت امام حسین (ع) هم در زمره مستندات نظریه یک سالگی بود. به نظر می‌رسد این روایت نمی‌تواند مستند خوبی برای نظریه یک سالگی باشد؛ زیرا اولاً: روایت مرفوع است و سند آن ذکر نشده است. ثانیاً: به قرینه روایات متعدد که همه حمل حضرت سیدالشهداء (ع) را شش ماه گفته‌اند این احتمال وجود دارد که در این روایت، سته با سنه تصحیف شده باشد. ثالثاً: روایت مذکور تنها در مقام بیان مدت بارداری است نه بیشترین مدت ممکن بارداری (۸). با این وجود، نمی‌توان انکار کرد که اگر صدور این روایت پذیرفته شود، می‌توان آن را مؤیدی بر نظریه یک سالگی دانست زیرا گزارشی دال بر تحقق خارجی استمرار بارداری تا یک سال است.

پنجم) در پایان ذکر این نکته ضروری می‌نماید که گرچه بررسی بیشترین مدت بارداری اصالتاً وظیفه علوم تجربی است؛ اما به جهت آثار فقهی و حقوقی که بر آن مترتب است، دانش فقه می‌تواند در بازه زمانی که علم پزشکی بارداری را ممکن و محتمل می‌داند، یک زمان به‌خصوص را به‌عنوان حداکثر مدت

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌های شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Najafī, M. Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. 1994(1414). 31:224-223 & 320. [In Arabic]
2. Biyhaqī, Q. Iṣbāḥ al-Shī'at bi-Miṣbāḥ al-sharī'at. Qum: Imām Sādiq. 1995(1416). 470. [In Arabic]
3. Mufīd, M. al-Muqni'. Qum: Shiykh Mufīd. 1992(1413). 41: 539. [In Arabic]
4. Ḥillī, Y. Qawā'id al-Aḥkām Fī Ma'rifat al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Qum: Ismā'īliyyān. 1992(1412). 7: 315. [In Arabic]
5. Tūsī, M. al-Khilāf. Qum: Tusi'ih Islāmī. 1986(1406). 5: 88. [In Arabic]
6. Tūsī, M. al-Mabsūt Fī Fiqh al-Imāmīyyat. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat li-Iḥyā' al-Turāth al-Ja'farīyyat. 2008(1428). 5:290. [In Arabic]
7. Tūsī, M. al-Nihāyat Fī Mujarrad al-Fiqh Wa al-Fatāwā. Beirut: Dār al-Kutub al-'Arabī. 1401(1980): 505. [In Arabic]
8. Ibn Idrīs Ḥillī, M. al-Sarā'ir al-Ḥawī li-Taḥrīr al-Fatāwā. Qum: Tusi'ih Islāmī. 1989(1409). 2:660. [In Arabic]
9. Sallār Diylamī, Ḥ. al-Marāsīm al-'Alawīyyat. Qum: Manshūrāt al-Ḥaramiyyan. 1983(1403). 153. [In Arabic]
10. Ṭabāṭabā'ī Ḥā'irī, 'A. Rīyāḍ al-Masā'il. Qum: Āl al-Bayt. 1997 (1419). 12: 104. [In Arabic]
11. [1]; 31: 224. [In Arabic]
12. Ḥurr 'Āmulī, M. Wasā'il al-Shī'at. Qum: Āl al-Bayt. 1988(1409). 21:380 [In Arabic]
13. Kuliynī, M. al-Kāfī. Qum: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 1986(1397). 6:52. [In Arabic]
14. Shubiyarī Zanjanī, M. Kitāb al-Nikāḥ. Qum: Ra'ypardāz. 1988(1399). 25:7781& 7786&7791. [In Persian]
15. Tūsī, M. Tahdhīb al-'Aḥkām. Ed: Khersan, H. Tehran: Dār al-Kutub al-'Islāmīyyat. 1986(1397). 8:115&129&119 [In Arabic]
16. [13]; 8:102 & 465. [In Arabic]
17. Fāḍil Muwaḥid Lankarānī, M. Tafṣīl al-Sharī'at. Qum: Fiqh A'imih Aṭḥār. 1997(1419). 509. [In Arabic]
18. [10]; 12: 106. [In Arabic]
19. [4]; 2: 284. [In Arabic]
20. Ḥillī Sīwarī, M al-Tanqīḥ al-Rā'ih lil-Mukhtaṣar al-Sharī. Qum: Mar'ashī Najafī. 1983(1404). 3: 514. [In Arabic]
21. Fāḍil Ābī, Ḥ. Kashf al-Rumūz fī Sharḥ Mukhtaṣar al-Nāfi'. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1996(1416). 2:96. [In Arabic]
22. Ruḥānī Qumī, MŞ. Fiqh al-Şādiq. Qum: Dār al-Kitāb. 1991(1412). 24: 255. [In Arabic]
23. [10]; 3:325. [In Arabic]
24. Muḥaqqiq Ḥillī. Sharayī' al-Islām Fī Masā'il al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Qum: Islāmīyyat. 1988(1408). 2:284. [In Arabic].
25. Fāḍil Hindī, M. Kashf al-Lithām. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1995(1415). 7: 533. [In Arabic].
26. Sahrīf Murtaḍā, A. al-Intesar fī Infrādāt al-Imāmīyyat. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1994(1414). 345. [In Arabic]
27. Sahrīf Murtaḍā, A. al-Rasā'il. Qum: Dār al-Qur'ān. 1984(1404). 1:192. [In Arabic]
28. Shahīd Awwal, M. al-Lum'at al-Dimashqīyyat. Beirut: Dār al-Turāth. 1989(1409). 187. [In Arabic]
29. Shahīd Thānī, Z. Masālik al-Afhām 'Ilā Tanqīḥ Sharā'ī' al-Islām. Qum: al-Ma'arif al-Islāmīyyat. 1992(1412). 8: 376. [In Arabic]
30. [3];41. [In Arabic]
31. Khomeini SR. Taḥrīr al-Wasīlat. Qum: Dār al-'Ilm. Nd. 2: 307. [In Arabic]
32. Ibn Zuhrih, Ḥ. Ghunīyat al-Nuzū' Ilā 'Ilmay al-Uṣūl wa al-Furū'. Qum: Maktabat Imām al-Şādiq. 1996(1416). 387. [In Arabic]
33. [8]; 2: 658. [In Arabic]
34. [1]; 31: 228. [In Arabic]
35. Şadūq, 'A. Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1992(1413). 3:511. [In Arabic]
36. 'Āmilī, SJ. Miftāḥ al-Kirāmāt. Beirut: Dār al-Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. Nd. 19:290. [In Arabic]
37. 'Āmilī, M. Nihāyat al-Marām Fī Sharḥ Mukhtaṣar Sharā'ī' al-Islām. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1990(1410). 1:434. [In Arabic]

38. Najjāshī, A. Rijāl al-Najjāshī. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1986(1406). 430. [In Arabic]
39. Arākī, M. Kitāb al-Nikāḥ. Qum: Nūr. 1998(1418). 755. [In Arabic]
40. Allāmīh Ḥillī, Y. Tabṣarīh Muti'allimīn fī Aḥkām al-Dīn. Tehran: Wizārat Farhang. 1990(1410). 142. [In Arabic]
41. Sadler, T. Longman's Embryology. Trans by: Mehrdad Salahi. Tehran: Babazadeh. 2004. 89-93. [In Persian]
42. Berman, R. Nelson's Babies. Trans by: Masood Mohammad pour. Tehran: Andisheh Rafi. 2004: 72. [In Persian]
43. <https://donya-e- eqtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA>
44. [12]; 21: 384. [In Arabic]
45. Sadeghpour MJ, Mahdavi poor A & Saeedi M. "Blood Money for Urinary and Fecal Leak in Imamiya Jurisprudence and Islamic Punishment Code (Critique and Proposing to Rectify Art.651, 652, 704 and 705 IPC)". Feghh Journal. 2019(1388). 10(36-37): 61-76. [In Persian]